

The use of "keywords" in identifying the interpretive tendency of the interpreter with an emphasis on the interpretive text of Ayatollah Alavi Sabzevari

(Received: 2023-09-12 Accepted: 2023-11-22)

Javad Salmanzadeh¹

Abstract

Keywords, as an important element of the text, have various uses, one of which is to identify the interpretive tendency of the interpreter. Different interpretive tendencies each have their own evidences and identification in an interpretive text requires spending a lot of time and studying all or most of the text, usually in detail. However, by using key words in less time and with more ease and accuracy, the interpretive tendency of the interpreter will be obtained. In this research, first, by using library and electronic tools, the interpretive text was speed read in order to identify and describe the key words. Then, by designing the semantic network of the key words, it was possible to compare this semantic network with the coordinates of different interpretive tendencies, and in this section, the data analysis and comparison method was also used. The semantic network obtained from the key words indicates the mystical tendency of the interpreter with an emphasis on spirituality and worship.

Keywords: Focal word, central words, main words, fundamental words, main concepts, central concepts, semantic network



سال هشتم
شماره اول
پیاپی: ۱۴
بهار و تابستان
۱۴۰۳

1) Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzvar, Iran Email: j.salmanzadeh@hsu.ac.ir



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۶۷-۱۴۴

DOR: 10.22034/SSHQ.2024.183735

کاربری واژه‌های کلیدی در شناسایی گرایش تفسیری مفسر با تأکید بر متن تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱)

جواد سلمان زاده^۱

چکیده

واژه‌های کلیدی به عنوان عنصری مهم از متن، کاربری‌هایی گوناگون دارند که شناسایی گرایش تفسیری مفسر از جمله‌ی آن‌ها می‌باشد. گرایش‌های مختلف تفسیری، هر یک برای خود قرآن و نشانه‌هایی دارند که شناسایی آن‌ها در متن تفسیری، مستلزم صرف زمان زیاد و مطالعه همه یا بیشتر متن معمولاً مفصل تفسیری می‌باشد. حال آن‌که با استفاده از واژه‌های کلیدی در مدت زمانی کمتر و با آسانی و دقت بیشتر، گرایش تفسیری مفسر به دست خواهد آمد. در این پژوهش، نخست با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای و الکترونیکی، متن تفسیری مورد تندخوانی قرار گرفت تا واژه‌های کلیدی شناسایی و توصیف شوند. سپس به وسیله طراحی شبکه معنایی واژه‌های کلیدی، امکان مقایسه این شبکه معنایی با مختصات گرایش‌های مختلف تفسیری فراهم گردید که در این بخش، روش تحلیل و مقایسه داده‌ها نیز مورد استفاده آمد. شبکه معنایی به دست آمده از واژه‌های کلیدی، حاکی از گرایش عرفانی مفسر مذکور با تأکید بر معنویت و عبادت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: واژه کانونی، واژه‌های محوری، واژه‌های اصلی، واژه‌های بنیادین، مفاهیم اصلی، مفاهیم محوری.

سال هشتم

شماره اول

پیاپی: ۱۴

بهار و تابستان

۱۴۰۳

(۱) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری، ایران ایمیل: j.salmanzadeh@hsu.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. بیان مسأله

واژه‌های کلیدی به معنای واژه‌های بنیادین و پرتکرار، مهمترین جزء در هر متن می‌باشند که نموداری کلی از متن و محتوای خود به دست می‌دهند. این نمودار اگرچه کامل و جامع نیست، اما به جهت محتوایی، پیام و غرض اصلی متن را انتقال می‌دهد و ابزاری مقبول جهت شناخت ماتن و رفع نیازمندی مفسر می‌باشد. همچنین این واژه‌ها، بستری مناسب برای تحلیل کیفی متن را فراهم می‌سازند و انسجام درونی متن را تأمین می‌کنند. (غراب و نجفی، ۱۳۹۹: ۴۱۴)

نظر به جایگاه بنیادین واژه‌های کلیدی در فهم متن و ماتن، شایسته است برای فهم هر متنی، نخست این مفاهیم شناسایی شوند تا تصویری کلی از متن در ذهن شکل بگیرد. این تصویر کلی می‌تواند مطالعه دقیق و کامل متن را روان‌تر و دقیق‌تر سازد.

اما واژه‌های کلیدی چه نوع واژه‌هایی هستند؟ چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد؟ و چگونه در فهم متن از آن‌ها استفاده می‌شود؟، سؤالاتی هستند که این پژوهش بدان‌ها پاسخ خواهد داد.

با توجه به این که پژوهش به دنبال واژه‌های کلیدی در متن تفسیری آیه‌الله علوی رحمه‌الله‌علیه^(۱) است، لازم است که این واژه‌ها در متن تفسیری مذکور مورد بحث قرار گیرند. زیرا واژه‌های کلیدی به فراخور متن، کاربری‌های گوناگون پیدا می‌کنند و می‌توانند گرایش تفسیری مفسر را رونمایی کنند. این متن تفسیری، به جهت معاصر بودن، جامعیت علمی و پایبندی عملی مفسر به نظرات و آرای خویش گزینش شده‌است.

پیشینه

جستجوی کاربرد واژه‌های کلیدی در فهم متن نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت واژه‌های کلیدی در متن، پژوهش‌های اندکی پیرامون آن انجام شده‌است. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: «وجه شباهت عیسی با آدم بر اساس تحلیل مفاهیم کلیدی در نظام آیات آفرینش انسان» (روحانی مشهدی، ۱۳۹۷): این مقاله به دنبال کشف شباهت‌های حضرت عیسی با حضرت آدم سلام‌الله‌علیهما بر آن شده‌است که واژه‌های کلیدی آیات آفرینش را معنایابی کند. اما از روش شناسایی این واژه‌ها سخنی به میان نیآورده‌است و شبکه معنایی واژه‌های کلیدی را طراحی نکرده‌است.

«تبیین مفاهیم کلیدی سوره بر پایه تحلیل مبتنی بر پیکره» (غراب و نجفی، ۱۳۹۹): در این مقاله، واژه‌های کلیدی با استفاده از روش تحلیل پیکره شناسایی شدند و توانسته‌اند انسجام سوره را ثابت کنند. نگاه کمی و بسامدی به واژه‌های کلیدی در این پژوهش باعث شده‌است که دقت و حساسیت خروجی تا اندازه‌ای رعایت نشود. در حالی که این پژوهش

از معیارهای کمی و کمی همزمان بهره می‌برد.

«رویکردی با ناظر در استخراج واژگان کلیدی اسناد فارسی با استفاده از زنجیره‌های لغوی» (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷): این مقاله با استفاده از نرم‌افزار «فارس‌نت» زنجیره لغوی را شناسایی می‌کند و از طریق زنجیره‌های لغوی، واژه‌های کلیدی را مشخص می‌نماید. در حالی که پژوهش مذکور به صورت دستی و غیرماشینی انجام می‌گردد و با اعمال معیارهای کمی و کیفی گوناگون از دقت بیشتری برخوردار می‌باشد.

«غرض سوره فتح با تأکید بر تحلیل واژگان کلیدی سوره» (محمدزاده و زرسازان، ۱۴۰۰): در این مقاله، با تکیه بر روش آماری، واژه‌های با فراوانی بالا گزینش شده‌اند و با استفاده از این واژه‌ها و دیگر عناصر درونی سوره، غرض سوره شناسایی شده‌است. این پژوهش اگرچه یکی از کاربری‌های مهم واژه‌های کلیدی در حوزه تفسیر را رونمایی کرده‌است، ولی به شناسایی گرایش تفسیری مفسر به عنوان دیگر کاربری واژه‌های کلیدی توجهی نداشته‌است.

«نقش واژه‌های کلیدی سوره در تعیین و تبیین موضوعات محوری آن (مطالعه موردی سوره شوری)» (غراب، ۱۴۰۰): این پایان‌نامه برای شناسایی واژه‌های کلیدی از دو روش مبتنی بر عینیت متن به نام «تحلیل پیکره» و «تحلیل کیفی» استفاده می‌کند. بی‌آن‌که کاربری واژه‌های کلیدی در شناسایی گرایش مفسر را بررسی کرده باشد.

«تأثیر معناشناسی واژگان کلیدی سوره فتح بر تفسیر آن» (ملکی، ۱۳۹۵): این پایان‌نامه با بررسی معنای واژگان کلیدی سوره فتح (غفر، ذنب، سکینه، تعزروه و توقروه، نصر، فتح) در پی کشف معنای مقصود از آیات این سوره مبارکه و پرده‌برداری از مفاهیم موجود در سوره مبارکه فتح می‌باشد. اما در این پایان‌نامه، از روش‌های کشف واژه‌های کلیدی بحثی نشده‌است و نقش واژه‌های کلیدی بر شناسایی گرایش تفسیری مفسر را بررسی نکرده‌است.

از پیشینه موجود برمی‌آید که واژه‌های کلیدی بیشتر از آن‌که در دانش‌های انسانی و الهیاتی بحث شده باشد، در دانش‌های فنی و غیر انسانی مورد بحث بوده‌است. از این گذشته، کاربرد واژه‌های کلیدی در حوزه تفسیر قرآن و به‌ویژه در زمینه شناسایی گرایش تفسیری مفسر، مسأله‌ای است که پیشینه موجود بدان توجهی نداشته‌است.

۲. مفهوم شناسی

با توجه به این که چند اصطلاح در این پژوهش مورد استفاده‌است، لازم است ابتدا آن اصطلاحات تعریف و تبیین شوند. این اصطلاحات عبارتند از:

۲-۱. واژه کلیدی

واژه‌های کلیدی، مفاهیمی هستند که از بار معنایی وسیع و فراگیری برخوردار هستند و دیگر مفاهیم به نوعی با آن‌ها مرتبط و وابسته می‌باشند. وسعت و ژرفای معنایی واژه‌های کلیدی باعث می‌شود که این مفاهیم جایگاه محوری سخن و متن را به خود اختصاص دهند و دیگر مفاهیم به کاررفته در سخن و متن با آن‌ها ارتباط و پیوند مفهومی داشته باشند و در سایه همین پیوند، معنای استعمالی خود را حامل شوند. از این رو، واژه‌های کلیدی به مجموعه‌ای از واژگان گفته می‌شود که بیان‌کننده منظور و ایده اصلی (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۶) یا موضوعات و مفاهیم کلیدی متن (غراب، ۱۳۹۹: ۳۹۳) باشند.

گفتنی است که واژه‌های کلیدی در پژوهش‌های پیشین با همین عنوان^(۳) یا عناوینی چون واژه محوری به کار رفته‌اند که منظور از واژه محوری، واژه‌ای در بازه آیه قرآنی است که دیگر الفاظ آیه در خدمت آن واژه هستند. و مراد از واژه محوری در بازه سیاق قرآنی، واژه‌ای است که دیگر واژه‌های سیاق در خدمت آن هستند. (دهقانی، ۱۴۰۰: ۲۳)

با توجه به معانی و تعاریف مذکور، واژه‌های کلیدی نقش ویژه‌ای در متن ایفا می‌کنند و شناسایی آن‌ها، یاری شایانی در کار با متن خواهند داشت.

۲-۲. گرایش تفسیری

همانگونه که از ظاهر اصطلاح برمی‌آید، گرایش تفسیری سمت و سو و جهتی است که مفسر در تفسیر متن بدان تمایل دارد. از این رو، گرایش تفسیری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: جهت‌گیری‌هایی که از هدف‌ها و دغدغه‌های ذهنی مفسر یا تخصص و دانش او یا نیازهای مخاطبان ناشی می‌شوند. (محمدی یدک، ۱۳۹۱: ۲۹) این اصطلاح با عناوین دیگری چون رویکرد، گرایش، اتجاه یا لون نیز معرفی می‌شود که البته مربوط به شیوه و ابزار تفسیر نیست و بلکه به خود مفسر و اندیشه‌های او مربوط است. زیرا هر مفسری در تفسیر خود از عقاید، باور و دیدگاه مذهبی، کلامی، سیاسی و ... یا تخصص خاصی برخوردار است که در تفسیر او اثرگذار است. (مؤدب، ۱۳۸۶: ۳۳) از همین رو اندیشه‌ها و ویژگی‌های فکری مفسر را تعیین‌کننده گرایش تفسیری دانسته‌اند. و همین ویژگی‌ها و خصایص فکری باعث می‌شود تا تفاسیر از یکدیگر متمایز گردند. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۱۵) برخی گرایش مفسر را ناشی از مکتب تفسیری (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۹/۱) و نمود مبنایی او دانسته‌اند. (همان، ۲۰)

با توجه به این تعاریف، می‌توان گفت که در گرایش تفسیری، مفسر به دنبال آن است که چه چیزی را می‌خواهد از قرآن بیرون بکشد و هدفش از تفسیر قرآن چیست؟ اگر هدفش

از تفسیر قرآن، تحصیل مسائل اخلاقی باشد، گرایش او اخلاقی خواهد بود. (محمدی یدک، ۱۳۹۱: ۳۳)

قابل توجه این که گرایش‌های تفسیری رایج در میان مفسران عبارتند از: ادبی، فقهی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عرفانی، تربیتی، علمی و ...

این گرایش‌ها معلول جهت‌گیری‌های عصری مفسر است که این جهت‌گیری‌ها خود معلول سه عامل دیگر است. این عوامل عبارتند از: دانش‌هایی که مفسر در آن‌ها تخصص دارد؛ روحیات و ذوقیات مفسر؛ دغدغه‌های مفسر نسبت به مسایل مختلف بیرونی. (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۸)

با توجه به آنچه گذشت؛ جهت و سمت و سویی که مفسر در تلاش تفسیری خود بدان رو حرکت می‌کند و متن تفسیری را از آن زاویه می‌نگرد، گرایش تفسیری نامیده می‌شود. این سمت و سو می‌تواند از دغدغه‌ها، تمایلات و اندیشه‌های مفسر گرفته شده باشد.

۳. معیارهای شناسایی واژه‌های کلیدی

با توجه به تعریف مذکور از واژه‌های کلیدی، این مفاهیم را می‌توان با معیارهایی چون «سبقت ذکری»، «کثرت ذکری» (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۶) «علو معنایی»، «علو دینی» و «شمول معنایی» در متن تفسیری شناسایی کرد. پیش از استفاده از این معیارها، لازم است آن‌ها تعریف شوند:

علو معنایی: علو به معنای بالا رفتن و بلند گردیدن بر جایی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۰۶۳/۱۰) است و منظور از علو معنایی، این است که واژه‌ای از نظر معنایی نسبت به دیگر واژه‌ها بالایی و رفعت داشته باشد. از این رو برخی علو معنا را به بار معرفتی بالا تعریف کرده‌اند. (پورعلی و مردانی، ۱۳۹۷: ۶۱) این بالایی برخاسته از ژرفایی است که در معنای برخی واژه‌ها شکل می‌گیرد. و این ژرفا، واژه عالی را در عمقی بیشتر از دیگر واژه‌ها می‌نهد. گویی واژه‌های عالی به جهت برخورداری از ژرفای معنایی، ضریب اثرگذاری بیشتری در عالم هستی دارا هستند و همین اثرگذاری بیشتر باعث می‌شود که بیشتر بدان‌ها توجه شود و بیشتر مورد استفاده واقع گردند. گفتنی است علو معنایی در دانش زبان‌شناسی جهت شناسایی واژه‌های کلیدی مورد توجه است و از آن به ساختار معنایی (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷) یا واژه محتوایی^(۳) (غراب، ۱۳۹۹: ۳۹۶) یاد می‌شود.

شمول معنایی: برخی واژه‌ها ظرفیت پذیرش معنا با مراتب گوناگون را دارا هستند و دارای لایه‌های گوناگون معنایی می‌باشند (پارسایی، ۱۳۹۱: ۶) که این لایه‌ها در گذر زمان به تدریج رونمایی و مورد استفاده قرار می‌گیرند. در علو معنایی، عمق و ژرفای معنا زیاد است که امری کیفی است. ولی در شمول معنایی، گستره و طول معنا مورد

توجه است که امری کمی است. گفتنی است شمول معنایی در دانش زبان‌شناسی جهت شناسایی واژه‌های کلیدی مورد توجه است و از آن به ساختار لغوی یاد می‌شود. (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷)

علو دینی: با توجه به معنای نامبرده از علو، منظور از علو دینی این است که معنا و مفهوم در گستره دین از بالایی و رفعت برخوردار باشد و مفاهیم دینی زیادی با آن مفهوم عالی ارتباط و وابستگی داشته باشند. به عنوان مثال، حقایق و معارفی که فراتر از امور مادی هستند مانند صفات الهی، ملائکه، بهشت و جهنم و ... از علو دینی برخوردار هستند. (ن.ک: کاظمی: ۶۶) این علو بدان جهت است که معانی کلی در قالب امور حسی و جسمانی عرضه شده‌اند تا برای عامه مفهوم باشند. (موسوی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۶)

کثرت ذکری: کثرت به معنای بسیاری و فراوانی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۸۱۸۶) است و منظور از کثرت ذکری، بسیاری و فراوانی تکرار می‌باشد. هر مفهومی که در متن، حضور و تکرار فراوان‌تری داشته باشد و بسامد بالاتری در متن دارد (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۶)، از امتیاز بیشتری در کثرت ذکری برخوردار خواهد بود و شایستگی بیشتری جهت احراز واژه کلیدی پیدا می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان به واژه «جمع» در سوره قیامه اشاره کرد که به جهت کثرت ذکری و تکرار زیاد محور سوره قرار گرفته‌است (زاهدی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۶۸) و مضمون و ساختار سوره پیرامون این واژه کلیدی بنا شده‌است. (همان، ۱۶۲)

سبقت ذکری: سبقت به معنای پیشی گرفتن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹/۱۳۴۱۰) است و مراد از سبقت ذکری، پیشی گرفتن و جلوافتادن واژه کلیدی بر دیگر مفاهیم موجود در متن می‌باشد. به عنوان مثال، حضور واژه «جمع» در آیه سوم از سوره قیامت که اولین جواب برای جملات قَسَم است، حاکی از سبقت ذکری این واژه در این سوره دارد و همین سبقت ذکری، ارزش خاصی به این واژه تزریق می‌کند. گفتنی است سبقت ذکری در دانش زبان‌شناسی جهت شناسایی واژه‌های کلیدی مورد توجه است و از آن به مکان یاد می‌شود که بیشتر در ابتدا و پایانه متن یافت می‌گردند و گاه بر معیار کثرت ذکری نیز ترجیح داده می‌شوند. (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷ و ۱۰۲)

با استفاده از معیارهای پنج‌گانه می‌توان واژه‌های کلیدی را در هر متنی شناسایی کرد. این مفاهیم با برخوردار از معیارهای علو معنایی، شمول معنایی، علو دینی، کثرت ذکری و سبقت ذکری جایگاه مفهومی بالایی را در متن به خود اختصاص می‌دهند. بگونه‌ای که دیگر مفاهیم ادامه، دنباله، ملحقات، توابع و فروع واژه‌های کلیدی شمرده می‌شوند و این امکان وجود دارد که رابطه و پیوند مفهومی هر یک از مفاهیم فرعی را با واژه‌های کلیدی تبیین نمود.

۴. واژه‌های کلیدی در تفسیر آیه‌الله علوی

مطالعه دست‌نوشته‌های تفسیری آیه‌الله علوی نشان می‌دهد که برخی مفاهیم در اندیشه و قلم ایشان، رنگ و بوی بیشتر و پسندیده‌تری داشته‌است و در متون تفسیری، حضور فراوانتر و برجسته‌تری نسبت به دیگر مفاهیم پیدا کرده‌اند. این مفاهیم می‌توانند تصویری کلی و دورنما از این متون به دست دهند و اندیشه تفسیری ایشان را تا اندازه زیادی روشن کنند. این مفاهیم عبارتند از:

۴-۱. حضرت حق

از مهمترین مفاهیم حاضر در این تفسیر، مفهوم «حضرت حق» است که از دو ویژگی «علو معنایی» و «کثرت ذکری» برخوردار می‌باشد. این مفهوم بر خالق و پروردگار عالم هستی اشاره دارد که نسبت به دیگر مفاهیم از بیشترین درجه علو معنایی برخوردار است. علو معنایی این مفهوم تا جایی است که با همه دیگر مفاهیم ارتباط می‌گیرد و نوع ارتباط آن، ارتباطی مقتدرانه است. اما تکرار ۴۰ مرتبه‌ای این مفهوم در این متن تفسیری به روشنی گواه جایگاه بنیادین و محوری آن می‌باشد. چند نمونه از کاربرست این مفهوم به ترتیب ذیل است:

در تفسیر آیه «وَاللّٰی رَبُّكَ فَارْغَبْ» (شرح: ۸): «و به سوی پروردگارت رغبت کن» اینگونه آمده‌است: «آنچه هست برای توجه ماست به حضرت حق و آنچه هستند از موجودات حتی ملائکه، برتری بر انسان ندارند و آن که برتری بر انسان دارد، فقط موجود مقدس حق است. اگر عبادت انسان برای قرب او مؤثر نشد، موردنظر مقدس حق واقع نشده و بایستی طوری کرد که موجب قرب شود.» (۲۸۵۳)

در این عبارت، توجه انسان به حضرت حق به عنوان هدفی ارزشمند مطرح شده‌است که مایه قرب انسان به درگاه الهی می‌شود و چنانچه این توجه قرب حضرت حق را به دست ندهد، ارزش خود را از دست می‌دهد.

از این تفسیر بر می‌آید که نعمت‌های ویژه خداوند چون «شرح صدر»، «وضع وزر» و «رفعت ذکر» ابزاری هستند تا انسان به وسیله آن‌ها به مقام توجه برسد و همه سرمایه‌ها و دارایی‌های خود را در مسیر توجه به حضرت حق هزینه نماید.

این نوع نگاه به آیات سوره انشراح حاکی از توجه ویژه مفسر به مفهوم «حضرت حق» است و این توجه تا جایی است که حضرت حق را به عنوان محور و اساس همه توجهات و رفتارها معرفی می‌کند. این نوع توجه فراگیر به حضرت حق یادآور مفهوم اخلاص است که انسان را به نظرداشت حضرت حق در همه بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها سوق می‌دهد.

مفهوم اخلاص از مفاهیم بنیادی در این تفسیر است و مفسر توجه ویژه بدان دارد. وی در تفسیر آیه «الَّذِينَ هُمْ يُرْءُونَ» (ماعون: ۶): «آنان که ریاکاری می‌کنند» در مقابل ریاکاری مکذبان دین، به موضوع بندگی اشاره می‌کند و بندگی خدا را بر دو پایه تقوا و اخلاص استوار می‌کند. منظور از اخلاص این است که اضافه غیر حضرت حق را در آنچه می‌کنیم، وجود نداشته باشد که اگر غیر ملاک در کار بود، او عبد نخواهد بود. چون غیر را در نظر گرفتن مانع از اخلاص است. (۲۹۷۷/۲۹۸۶)

همین توجه توحیدی به حضرت حق در تفسیر آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ» (کوثر: ۲): «پس (به شکرانه آن) برای پروردگارت خضوع کن و نماز بخوان و (در تکبیر آن) دست‌ها را تا گلوگاه بالا بر (یا شتر قربانی کن)» این‌گونه بیان شده است که در روایات، نحر به بلندکردن دست‌ها در ابتدای نماز تفسیر شده است. این بلندکردن بگونه‌ای است که کف دست رو به قبله باشد. نمازگزار با نشان دادن کف دست رو به قبله اعلام می‌کند که آن چه پشت دست در خارج از قبله است، غیر حضرت حق است و کنار زده می‌شود. (۲۰۲۳)

این مفهوم آن قدر نزد مفسر از علو و ارزشمندی برخوردار است که از زوایای گوناگون بدان نگاه می‌کند تا به نحوی از این مفهوم یاد کند. به عنوان مثال، در تفسیر آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» (فلق: ۱): «بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم» از مفهوم اعاده، مفهوم وابستگی برداشت شده است. بدین معنا که انسان با پناه بردن به خدای متعال، خود را به حضرت حق وابسته می‌کند و این وابستگی یکپارچه و فراگیر است. زیرا غیر از حضرت حق، همه محتاجند و پناهگاه واقعی، حضرت حق است. (۱۰۲۵) انتقال از مفهوم اعاده به وابستگی، نمایانگر برجسته بودن حضرت حق در ذهن مفسر است و مفسر از هر فرصتی استفاده می‌کند تا از این مفهوم بیشتر و کیفی‌تر یاد کند.

نمونه‌های دیگر از این مفهوم را ن.ک: ۱۰۳۷/۱۰۲۴/۲۰۸۴/۲۰۱۲۰/۲۱۲۳/۲۱۲۳/۲۹۴۸/۳۰۲۲.

شایان گفتن است که جدای از مفهوم «حضرت حق»، مفهوم «حق» نیز در این متن تفسیری، مفهومی عالی و پرتکرار است که به معنای حقیقت به کار رفته است. حق، اصطلاحی با بار معنایی دینی و مذهبی است که در دین اسلام به معنای «ما انزل الله» و «معیار خدا» به کار می‌رود. (سیدعلوی، ۱۳۶۳: ۱۵۹)

کاربست مفهوم حق در این متن تفسیری به معنای حقیقت، نشان می‌دهد که مصداق ذاتی و خارجی آن، همان حضرت حق می‌باشد. بنابراین منظور از حق، معیار و میزان حق است که حقانیت هر امری بدان سنجیده می‌شود و از آن جا که حضرت حق خود سنجه حق می‌باشد، مفهوم حق و حضرت حق گاه کنار هم و به جای هم به کار برده می‌شوند و رابطه همنشینی و جانیشینی توأمان بین آن دو برقرار است. این حقیقت با واقعیت متفاوت است و حقیقت همیشه همان واقعیت نمی‌باشد. (۲۰۶۱)

موارد کاربری مفهوم حق را نگاه کنید: ۱۰۳۲/۱۰۸۴/۱۱۰۳/۱۳۶۲/۱۳۶۳/۱۳۶۸/۱۳۷۰/۲۰/۲۰۹۲/۲۰۷۴/۱۶۸۵/۱۵۳۶/۱۴۸۲/۱۴۷۷/۱۴۴۸/۱۴۴۰/۱۴۰۷/۱۳۹۵/۱۳۹۴/۱۳۹۳/۱۳۷۴/۲۹۷۱/۲۹۵۰/۲۹۳۷/۲۸۷۹/۲۸۶۸/۲۸۶۴/۲۸۶۳/۲۸۶۰/۲۸۴۴/۲۱۲۹/۲۱۲۳/۲۰۹۹/۲۰۹۲/۷۱/۳۰۳۱/۳۰۲۶/۳۰۲۵/۲۹۷۸.

به عنوان نمونه، در تفسیر آیه «وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى» (اعلی: ۱۱): «و کسی که از همه شقی‌تر است (و از خدا نمی‌ترسد) از آن دوری می‌جوید» واژه اشقی به کسی برگردانده شده‌است که از حق برگشته و پشت زندگیش به حق باشد. (۲۰۵۷) در این تفسیر، حق به معنای حقیقت به کار رفته‌است که حقانیت و صحت هر چیزی بدان سنجش می‌شود و آن سنجه همان نظر و انتخاب خدای متعال است.

۴-۲. اهل بیت علیهم السلام

از دیگر واژه‌های عالی و پرتکرار با رنگ دینی، واژه «اهل بیت» است که ویژگی‌های یک مفهوم بنیادی را دارا است و در متون تفسیری آیه‌الله علوی زیاد دیده می‌شود. نمونه‌هایی از حضور واژه اهل بیت در این تفسیر به گونه ذیل است:

مفسر در تفسیر آیه «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون: ۷): «و اسباب و وسایل مورد نیاز را (مانند وام، زکات، صدقه، عاریه، اثاث خانه و غیره از دیگران) دریغ می‌دارند» پس از ارائه تفسیری ابتدایی مبنی بر این که انسان چنان‌چه خود کمک نمی‌کند، گاه دیگران را نیز از کمک‌رسانی جلوگیری می‌کند. یادآور می‌شود که تمام اعمال ما بایستی آمیخته با عشق به اهل بیت مقدس باشد و بایستی رنگ پرستش (ولایت) اهل بیت در پرستش‌های ما باشد. (۱۴۲۴)

یادکرد اهل بیت در تفسیر آیه مذکور، بی تردید گواهی راستین و محکم است بر زنده‌بودن مفهوم اهل بیت در ذهنیت مفسر و تلاش او برای بزرگداشت این مفهوم. او بیش از آن که در مورد ماعون و منع ماعون سخن گوید، یکسره به سراغ مفهوم اهل بیت می‌رود و افقی فراتر را پیش‌فرض می‌گیرد که انسان نه تنها دیگران را کمک می‌رساند، بلکه فراتر از آن، لازم است دیگران را به کمک‌رسانی ترغیب نماید و این کار را با عشق به اهل بیت نیز انجام می‌دهد، همان اهل بیتی که الگو و سرآمد در کمک‌رسانی به جامعه بودند.

نمونه دیگر از توجه به مفهوم اهل بیت در تفسیر آیه «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى» (لیل: ۱۴): «پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد، بیم دادم» به کار رفته‌است. مفسر ما در تفسیر آیه مذکور می‌نویسد: «ناراً تَلَظَّى» درباره مخالفان ظهور حضرت ولی عصر است و آن‌ها دشمنان اهل بیت هستند و این معنا درباره کسانی است که با دانستن مقام امام، ایشان را تکذیب می‌کنند. (۱۶۸۵)

در این تفسیر، مفسر واژه «كَذَّبَ» در آیه «الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (لیل: ۱۶): «همان کسی که (در دنیا کافر شد و دعوت پیامبران را) تکذیب کرد و روی گردانید» را بنا بر قاعده تطبیق بر تکذیب امام تطبیق داده است و سرانجام این تکذیب را آتش فروزان و شعله‌ور معرفی کرده است؛ آتشی که شعله‌ور است و قدرت آتش‌گاه قوی است؛ مثل گاز که منفجر شود. (۱۶۸۵)

تطبیق تکذیب بر تکذیب امام، نوعی تطبیق و مصداقیابی خاص است که کمتر مورد توجه مفسران بوده است و مفسری بدین تطبیق توجه دارد که مفهوم امام و اهل بیت، حضور ویژه‌ای در ذهن و قلم او پیدا کرده باشد. این نوع تطبیق مبتنی بر این واقعیت است که امر تکذیب بر مصادیق گوناگونی چون خدا، دین، معاد، قرآن، امام و ... قابل تصدیق است، اما در میان این مصادیق، امام پدیده‌ای ظاهری، ملموس و محسوس است و همین ظهور، ایشان را در خط مقدم تکذیب قرار می‌دهد. نمونه‌های دیگر از حضور واژه «اهل بیت» در تفسیر را ن.ک: ۲۰۸۲/۲۰۸۴/۲۰۱۳۵۵/۲۰۱۱/۱۰۱۳/۱۰۲۴/۱۰۳۷۵/۱۳۳۷/۱۵۳۷.

۴-۳. فطرت

فطرت از مفاهیم مورد توجه در این تفسیر است که هم از ویژگی علو معنایی برخوردار است، همچنین به کثرت ذکری رسیده است. به عنوان نمونه، آیه‌الله علوی در تفسیر سوره کافرون می‌نویسد:

«پس از آنکه تمدن‌ها را در رده هم قرار بدهیم و بررسی صحیح انجام دهیم، خواهیم دید که آن تمدنی که با فطرت وفق می‌دهد، آن را برگزینیم و آن فطرت اسلامی است و سوره کافرون این را می‌خواهد بفرماید که دین اسلام است که با فطرت وفق می‌دهد.» (۲۸۵۷)

این که مفسر، فطرت را مهمترین معیار در ارزیابی تمدن می‌بیند، نشان‌دهنده جایگاه بنیادین و ارزشی مفهوم فطرت است که صلاحیت ارزیابی مفهومی بزرگ چون تمدن را احراز نموده است. تمدنی که نظام خود را بر پایه فطرت الهی پیش برد، تمدن بر حق و پیشرو خواهد بود. زیرا مسیر پیشرفت، تنها همان مسیری است که خدای متعال، کلیت آن را در فطرت الهی تعبیه نهاده است.

از نظر مفسر، در میان تمدن‌های موجود، تنها تمدن اسلام است که نظام خود را بر پایه دین اسلام نهاده است و این دین با فطرت الهی همراه و هماهنگ می‌باشد.

نوع توجه مفسر به مفهوم فطرت، توجه بدین مفهوم را در نظام‌های گوناگون اجتماعی اعم از نظام تعلیمی، تربیتی، فرهنگ سازی، اقتصادی، حکمرانی و ... خاطر نشان می‌سازد و مفهوم فطرت به جهت انتسابش به خدای متعال و برخورداری از ویژگی عمومیت و جاودانگی، اصیل‌ترین معیار و ملاک در گزینش و انتخاب می‌باشد. در حالی که تمدن مادی با گزینش زندگی دنیا و ترجیح دنیا بر آخرت، عکس نظام فطری عمل می‌کند

(۲۸۵۸) و تمدنی بر خلاف تمدن فطری به دست می‌دهند. تمدن مادی، انتخاب خلاف فطرت را از این رو انجام می‌دهد که خیر خود را در جمع مال و کسب مقام می‌بیند «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات: ۸): «و مسلماً او بر دوستی مال، فطرتا بسی سرسخت است». (۱۵۰۴/۲۸۶۹)

۴-۴. تفسیر باطنی آیات

از مفاهیم برجسته در این تفسیر، بطن آیات است که در کنار ظهور آیات، توجه زیادی بدان شده‌است. منظور از بطن، معنای باطنی است که با حس درک نمی‌شود (علوی نژاد، ۱۳۷۵: ۱۴۰) و فهمی عمیق و رها از محدودیت زمان و مکان نیاز دارد (همان، ۱۴۲) که گاه از آن به تأویل یاد می‌شود. (شانظری و اجیه، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

این سطح از معنا به جهت پوشیدگی و ژرفایی نسبت به معنای ظاهری، کمتر مورد توجه است. حال آن که بخشی گسترده و مهم از معانی قرآن در همین سطح معنایی نهفته‌است و دستیابی به آن جهت پاسخگویی به مسائل ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از همین رو، در این تفسیر معنای باطنی و تأویلی زیاد به کار رفته‌است و فراوان دیده می‌شود. برخی از معانی باطنی آیات قرآن به ترتیب زیر است:

در تفسیر آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (شرح: ۷)؛ «پس هر گاه (از ابلاغ رسالت) فارغ شدی (در عبادت خدا) کوشش نما» بیشتر به معنای ظاهری آیه توجه می‌شود که در پیچ و خم دنیا، سرازیری و سربالایی بسیار وجود دارد. هر زمان که در سرازیری قرار گرفتی و فراغتی حاصل شد، پس از آن آمادگی برای سربالایی را به دست آور و تلاش کن تا بتوانی در سربالایی‌ها و دشواری‌ها سربلند باشی. اما تفسیر آیه بدین معنا تمام می‌شود و معانی دیگری در لایه‌های فروتر وجود دارد که با استفاده از روایات و تأملات علمی، عرفانی و فلسفی می‌توان بدان‌ها دست یافت.

یکی از این معانی باطنی، روایتی است که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده‌است: «فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ نُبُوتِكَ فَانصَبْ عَلَيَا وَالِي رِبِكْ فَارْغَبْ فِي ذَلِكَ» (حویزی، ۱۴۱۲: ۶۰۵/۵).

این روایت، فراغت را به فراغت از نبوت معنا می‌کند و نصب را به معنای منصوب کردن و انتساب دادن امام علی علیه‌السلام به جانشینی تأویل می‌برد. (۲۸۵۲) این معنا از آیه که معنایی پوشیده و دور از ذهن است، جزء بطن و تأویل آیه شمرده می‌شود و مبتنی بر پیش فرض‌های تفسیری خاصی می‌باشد. به عنوان مثال، دلالت و ارتباط گسترده آیات با موضوع ولایت از جمله پیش‌فرض‌هایی است که مفسر را بدین تفسیر باطنی از آیه سوق می‌دهد.

نمونه دیگر از تفسیر باطنی را می‌توان در تفسیر آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» (کوثر: ۲): «پس (به شکرانه آن) برای پروردگارت خضوع کن و نماز بخوان و (در تکبیر آن) دست‌ها را تا

گلوگاه بالا بر (یا شتر قربانی کن)» مشاهده کرد. در این آیه، نحر معمولاً به معنای ذبح و قربانی شتر استعمال دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۱۰/۳)، اما در روایت امام صادق علیه السلام، این واژه به بالا بردن دست تا مقابل صورت در آغاز نماز معنا شده است.

«فصل لربک وانحر» فقال بیده هكذا یعنی استقبال بیدیه حذاء وجهه القبلة فی افتتاح الصلاة».

(حویزی، ۱۴۱۲: ۵/۶۸۳)

این معنا از آیه، معنایی باطنی است که البته با معنای ظاهری تناسب و تشابه دارد. و تناسب آن بدان است که در هر دو معنا، نقطه خاصی مد نظر قرار می‌گیرد. بدین گونه که در ذبح کردن، حلقوم شتر مورد توجه است و در بالا بردن دست‌ها، چهره و صورت انسان محل توجه می‌باشد.

این تفسیر به دلیل گرایش باطنی و توجه به معانی باطنی، ذیل تفسیر آیه مذکور بیان می‌دارد که «نحر» عبارت است از بلند کردن دست‌ها در ابتدای نماز (۲۰۲۳). این معنا اگرچه برگرفته از متن روایات است، اما این که مفسر از بین نظرات تفسیری گوناگون بدین نظر اقبال نشان داده است و این اقبال در موارد متعدد مشاهده می‌شود، حاکی از این است که توجه به معنای باطنی آیات در آیه‌الله علوی بسیار برجسته و مهم است و ایشان توجه ویژه‌ای به معنای باطنی دارند و در تفسیر خود برای معنای باطنی، جایگاهی ویژه قائل هستند.

شایان گفتن است که مفسر منظور از بالا بردن دست در آغاز نماز را به معنای کنار زدن غیر خدا می‌داند و این کنار زدن از این صحنه برداشت می‌شود که پشت دست در حالتی مخالف با قبله قرار می‌گیرد. (۲۰۲۳) و این حالت نوعی اعلام تبری و کناره‌گیری از غیر خدا می‌باشد که در جبهه مخالف با قبله ایستاده‌اند. نمونه‌های دیگر از کاربرد معنای باطنی در تفسیر آیات ر. ن. ک: ۱۳۷۷/۱۴۴۳/۱۴۴۷/۱۶۶۳/۱۶۶۹/۲۰۸۷/۲۰۹۶/۲۱۸۴/۲۱۹۶/۳۰۰۴/۳۰۲۶/.

۴-۵. سَحَر

در میان اوقات شبانه روز، سَحَر از ارزش ویژه عبادی برخوردار است. این ارزش برگرفته از ویژگی‌های ذاتی این زمان چون تاریک بودن، آرام بودن، تنهایی، آسوده بودن، آرامش داشتن و ... می‌باشد. ارزشمند بودن این زمان باعث شده است که کتاب و حیانی چندین بار از این واژه، مشتقات و هم‌خانواده‌های آن یاد کند و جامعه ایمانی را بدان توجه دهد. (ن. ک: مزمل: ۲ و ۶، اسراء: ۷۹، ذاریات: ۱۸، سجده: ۱۶، زمر: ۹، طه: ۱۳۰، طور: ۴۸، ق: ۴۰، انسان: ۲۶، فرقان: ۶۴، آل عمران: ۱۱۳)

آیه‌الله علوی در تفسیر خود توجه ویژه به سَحَر دارد و در تفسیر آیات از آن زیاد یاد می‌کند. نمونه را در تفسیر آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَأْخُذُ» (مدثر: ۳۳): «و سوگند به شب، هنگامی که

پشت کند» می‌توان اشاره کرد که مفسر آیه را اینگونه توضیح می‌دهد: «و تاریکی شب از بین می‌رود و روز می‌آید و این معنا منحصر به آن نیست. بلکه آن چه در دنیا هست؛ نیست شدنی است و دنیا در مقابل آخرت است که آن چه در آخرت هست و می‌زیبد، از بین رفتنی نیست و سحر نقطه حساس بنده است با حضرت حق. هنگامه سحر آن قدر ارزشمندی و اثرگذاری دارد که فرزندان حضرت یعقوب پس از اعتراف به خطای خود، به پدر خود فرمودند که زود است استغفار نمایم برای شما و زمان استغفار را سحر متذکر شده‌اند. چون در آن وقت است که مؤثر است.» (۱۶۶۵)

در این تفسیر، مفسر از واژه «لیل» بیشتر از همه به هنگامه سحرش توجه دارد و آن را نقطه‌ای حساس برای ارتباط با خدای متعال معرفی می‌کند و استجاب دعا را در این زمان اثربخش تر می‌داند.

نمونه‌های دیگر از یادکرد مفهوم سحر عبارت است از: ۱۳۸۸/۱۰۳۷ / ۲۱۲۰/۲۰۸۷/۲۰۸۷/۱۴۶۹.

۴-۶. ایمان

از مفاهیم بنیادین و پرتکرار در این تفسیر، مفهوم «ایمان» است که به معنای پیوند و تعلق قلبی نسبت به متعلقات خاص می‌باشد. این پیوند در صورتی حقیقی خواهد بود که انسان را به پایبندی و تعهد نسبت به آن متعلقات وادارد. اما چنانچه تعلقات قلبی، اثری عملی به دنبال نداشته باشد، تنها تصویری است که بدان ادعا شده‌است. نظر به اهمیت بنیادین این مفهوم، توجه ویژه‌ای بدان شده‌است و در مواضع گوناگون تفسیری از آن یاد شده‌است. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳): «مگر کسانی که ایمان آورده و عمل‌های شایسته کرده‌اند و یکدیگر را به حق (به آنچه ثابت و مسلم است از عقاید و اعمال) توصیه کرده و یکدیگر را به صبر (در انجام وظایف) سفارش نموده‌اند» ایمان به عنوان عنصری تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز معرفی می‌شود. مفسر در توضیح این مفهوم می‌نویسد:

«ایمان کامل باشد، کارساز است. بدین معنا که چیزی نماند در مورد ایمان که مورد قبول واقع نشده باشد. البته ایمان به ولایت حضرت امیرالمؤمنین تنها کافی نیست، بلکه بایستی همه ائمه اطهار را قبول داشت. زیدی، واقفی و امثال آنها کافی نیست و اعتقاد به حضرت امیرالمؤمنین تنها سمبل است. عمل صالح بستگی به ایمان دارد. زینبده نیست ارمنی را برتری میدهند در کار شخصی خود بر مسلمان! این گفته بی‌جا است. چون او متکی به ایمان نیست و مثلاً متکی است به امر اعتقادی و یا غیر او زینبده‌گی ندارد.» (۱۳۷۵)

در این بیان تفسیری، از چند زاویه به ایمان نگریسته شده‌است و ابعاد مختلفی از این

مفهوم تبیین گشته است. نخست به کامل بودن ایمان اشاره شده است و ایمان به امام را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمان مطرح کرده است. گفتنی است در ایمان به امام، همه ائمه مد نظر می‌باشند و مذاهب زیدی، واقفی و ... مذاهب بر حقی نمی‌باشند. در ادامه، عمل صالح مبتنی بر عمل استوار شده است. گویی عمل بدون ایمان، صلاحیت و شایستگی خود را از دست می‌دهد. چنانکه رفتار ارمنی به جهت محرومیت از ایمان حقیقی فاقد ارزش لازم می‌باشد و نمی‌تواند بر رفتار مسلمان مؤمن فائق آید.

این اهمیت تا جایی است که مسیر رسیدن به سعادت از کانال ایمان می‌گذرد و هر قدرتی تا زمانی که در کنار ایمان قرار نگیرد، نمی‌تواند سعادت‌مندی را تضمین کند. و چه بسا اقتدار بدون ایمان خود مولد فساد باشد و سرنوشت انسان‌ها را به فساد کشاند. (۱۴۱۳)

حضورهای دیگر مفهوم ایمان در این متن تفسیری را ن. ک: ۱۰۳۷/۱۰۴۳/۱۱۲۵/۱/۱۳۶۳/۲۱۱/۲۱۰۴/۲۰۹۷/۲۰۹۴/۲۰۷۸/۲۰۹۷/۲۰۹۴/۱۵۳۳/۱۴۸۷/۱۴۵۷/۱۴۴۱/۱۳۹۷/۱۳۹۵/۳۸۵/۳۰۳۰/۳۰۲۶/۳۰۲۵/۳۰۰۸/۰

۴-۷. قرآن

از دیگر واژه‌های مورد توجه در این تفسیر، مفهوم «قرآن» است که منظور از آن، کتاب و حیانی اسلام می‌باشد. حضور کلیدی و پرتکرار این مفهوم در بیانات تفسیری، از ارزش و جایگاه والای این مفهوم نزد مفسر حکایت می‌کند. برخی از موارد کاربری مفهوم قرآن را می‌توان به عبارات زیر توجه داد:

در تفسیر سوره فیل، مفسر درباره کتاب قرآن می‌نویسد: «هدایت قرآن راهبردی است و مسیر را مشخص می‌کند». این توصیف از کتاب قرآن، بسیار توصیف ارزشمند و گرانسنگ است که شاخصه اصلی قرآن را با عنوان هدایت معرفی می‌کند و این هدایت را هدایتی راهبردی و اساسی بر می‌شمرد که مسیر را برای انسان تعیین می‌سازد. (۳۰۱۳)

این توصیف از قرآن، بعد از گمراهی اصحاب فیل می‌آید که از هدایت قرآن محروم بودند و نتوانستند راه هدایت را بیابند.

نظر به جایگاه بنیادین کتاب قرآن در مسیر هدایت، مفسر برای الفاظ و معانی این کتاب ارزش ویژه قائل است. به عنوان مثال، خواندن الفاظ قرآن در این تفسیر اینگونه توصیف می‌گردد: «در قرآن خواندن جدای از ثوابی را که برای خواننده‌اش هست، طرف حساب خواننده حضرت حق و در ترجمه قرآن خواندن این حساب از او نمی‌آید که حق تعالی طرف باشد». (۲۹۹۱)

مفسر ما نه تنها برای الفاظ قرآن، ثوابی ویژه قائل است که کارکردن با الفاظ قرآن را بهره‌ای ویژه‌تر می‌نهد و آن، این است که با خواندن الفاظ قرآن، انسان در برابر خدای متعال قرار

می‌گیرد و خداوند به عنوان طرف حساب او لحاظ می‌شود. حال آن که این گونه ارتباط با خداوند در خواندن ترجمه قرآن وجود ندارد و خدای متعال به عنوان طرف حساب انسان قرار نمی‌گیرد. زیرا انسان با خواندن ترجمه قرآن، الفاظ مترجم را می‌خواند نه الفاظ خدای متعال را.

این مقدار توجه به الفاظ قرآن و مقایسه الفاظ قرآن با ترجمه آن نشان می‌دهد که این کتاب در طرحواره و ذهنیت تفسیری مفسر حضوری پررنگ دارد و برای همه ابعاد لفظی و معنایی آن، ارزشی ویژه در نظر گرفته شده‌است.

نمونه‌های دیگر حضور مفهوم قرآن در تفسیر را می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:
۱۵۳۵/۱۴۰۵/۱۴۰۴/۱۳۸۵/۱۱۲۱.

۴-۸. عبادت

عبادت، پرستش و بندگی سه واژه کلیدی است که به صورت مکرر و در جایگاهی بنیادین در این تفسیر حضور دارند. عبادت به معنای پرستش خدای متعال و عدم پرستش غیر خدا می‌باشد. جایگاه بنیادین و اساسی این مفهوم در تفسیر روشن و گویا است. بگونه‌ای که مفسر این مفهوم را فعالیت همیشگی انسان‌ها بر می‌شمرد و در تفسیر آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (ماعون: ۷): «پس هر گاه (از ابلاغ رسالت) فارغ شدی، (در عبادت خدا) کوشش نما» می‌نویسد: «بایستی برنامه باشد در نماز خواندن؛ در اول وقت و جنبه پیش‌آمد نباشد؛ و خود را نصب کن برای عبودیت ما باشی». (۲۰۹۶)

در این تفسیر از آیه مذکور، عبادت به عنوان مسئولیتی برنامه‌ریزی شده و مستمر دیده شده‌است که نشان از اهمیت والای عبادت در گستره مسئولیت‌های انسانی دارد. اگر عبادت به برنامه و مسئولیت تبدیل شود، به تدریج روح بندگی در انسان ایجاد می‌شود و عبادت جنبه جدیت به خود می‌گیرد و غیر خدا کنار زده می‌شود. (۲۰۹۶) بدین صورت، انسان با فراغت از عبادت به عبادتی دیگر خواهد پرداخت و امور فرعی زندگی، او را از پیگیری عبادت و بندگی باز نخواهد داشت. (۲۸۵۲)

برخی از شاخصه‌های عبادت و پرستش در این تفسیر عبارتند از: جدیت و کوشش (۲۰۱۳۰۲)، همانندی با پرستش اهل بیت علیهم السلام (۱۴۲۴)، اولویت گناه‌نکردن بر پرستش (۱۴۹۱)، استحکام و استقرار در پرستش، کنار گذاشتن امور غیر بندگی (۲۹۵۱)، ابتناء بر شناخت (۳۰۲۲).

شاخصه‌های مذکور بیانگر جایگاه جدی عبادت و بندگی در هندسه زندگی بشری است که ویژگی‌های ایجابی چون جدیت و استقرار را در خود دارد و ویژگی‌های سلبی نیز به همراه دارد؛ چون کنار گذاشتن اموری که عبادی نیستند و به عبادت لطمه می‌زنند.

نمونه‌های دیگر از حضور مفاهیم عبادت، بندگی و پرستش را می‌توان در صفحات زیر پیدا نمود: ۰۲/۰۲۱۳۰۱/۳۰۰۰/۲۸۶۵/۲۸۵۳/۲۱۹۵/۲۱۱۹/۱۵۲۲/۱۴۰۴/۳۰۲۲/۳۰۱۱/۳۰۰۰/۰۲۱۳۱۵/۰۲۱۳۰۵/۰۲۱۲۹۶/۲۸۷۹/۲۸۶۵/۱۵۳۴/۱۳۹۴/۱۳۹۳/۱۳۷۶/۱۰۸۴/۱۰۴۳/۱۳۳۳/۲۰۹۶/۱۴۱۱/۱۳۹۴/۱۳۷۶/۱۳۷۵/۰۲۱۳۳۳/۰۲۱۳۳۱/۰۲۱۳۲۹/۰۲۱۳۲۷/۰۲۱۳۲۲/۲۱۳۱۶/۰۲۱/۰۲۱۳۲۷/۰۲۱۳۲۲/۰۲۱۳۰۵/۰۲۱۳۰۱/۳۰۳۶/۲۹۹۵/۲۹۸۶/۲۹۷۶/۲۸۵۲/۲۰۹۶/۲۰۶۷/۰۲۱۳۳۳/۳۲۹.

۵- نسبت‌سنجی واژه‌های کلیدی با گرایش تفسیری مفسر

با توجه به معیارهای پنج‌گانه «علو معنایی»، «علو دینی»، «شمول معنایی»، «سبقت ذکری» و «کثرت ذکری» واژه‌های هشت‌گانه «حضرت حق»، «اهل بیت علیهم‌السلام»، «فطرت»، «تفسیر باطنی»، «سحر»، «ایمان»، «قرآن» و «عبادت» به عنوان واژه‌های کلیدی متن تفسیری آیه‌الله علوی شناسایی شدند. اما آیا این واژه‌ها ظرفیت شناسایی گرایش تفسیری را دارا هستند؟ و تا چه اندازه، این واژه‌ها می‌توانند گرایش تفسیری مفسر را رونمایی کنند؟.

جهت نسبت‌سنجی واژه‌های کلیدی با گرایش تفسیری مفسر، لازم است گرایش تفسیری ماهیت‌شناسی گردد. تعریف مذکور از گرایش تفسیری، نشان می‌دهد که گرایش تفسیری محصول جهت‌گیری‌های برخاسته از دانش، دغدغه و روحیه مفسر است و این جهت‌گیری‌ها به صورت کامل یا نسبی در متن تفسیری نمودار می‌گردد. بدین ترتیب که مفسر، آگاهانه یا ناآگاهانه در گزینش واژه‌ها و مفاهیم بگونه‌ای عمل می‌کند که تمایلات و جهت‌گیری‌های او نمودار می‌شود. او واژه‌هایی را در متن خود استفاده می‌کند که تمایلات و جهت‌گیری‌های فکری‌اش را تأمین کند و واژه‌هایی را تکرار می‌کند که مفاهیم ذهنی او را به مخاطب انتقال می‌دهند. به عنوان نمونه، اگر جهت‌گیری و سلیقه‌اش به سمت مباحث اخلاقی باشد، بیشتر از واژه‌های اخلاقی استفاده خواهد کرد و در صورت داشتن تمایلات فقهی، واژه‌های فقهی بیشتری در متن تفسیری او پدیدار خواهند شد.

با پذیرش رابطه مستقیم واژه‌های کلیدی با گرایش تفسیری مفسر می‌توان با استفاده از واژه‌های کلیدی، گرایش تفسیری را پیش‌بینی نمود. بدین ترتیب که واژه‌های کلیدی در یک شبکه معنایی جاگذاری می‌شوند و با تحلیل رابطه مفهومی میان آن‌ها گرایش تفسیری مفسر به دست می‌آید. زیرا جدای از بااهمیت بودن هر یک از واژگان کلیدی، باید بین مجموعه واژگان کلیدی پیوستگی وجود داشته باشد (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷) و دارای ساختاری منسجم باشند. (همان، ۹۸) ارتباط میان واژه‌های کلیدی به قدری زیاد است که می‌توان آن‌ها را در شبکه معنایی جاگذاری کرد. از همین رو، واژگانی که میزان وابستگی آن‌ها با واژگان متن بیشتر است، واژه کلیدی شمرده می‌شوند. (همان، ۹۷)

واژه‌های کلیدی متن تفسیری مذکور عبارتند از: حضرت حق، اهل بیت علیهم السلام، فطرت، تفسیر باطنی، سحر، ایمان، قرآن و عبادت. برای رسیدن به شبکه معنایی، نخست کلیدی‌ترین واژه (واژه کانونی) در میان واژه‌های کلیدی شناسایی می‌شود و سپس رابطه مفهومی دیگر واژه‌های کلیدی با کلیدی‌ترین واژه تبیین می‌گردد.

در میان واژه‌های کلیدی موجود، واژه «حضرت حق» از بیشترین صلاحیت جهت احراز کلیدی‌ترین واژه برخوردار است. زیرا این واژه، علو و شمول معنایی بالایی دارد و بدین وسیله می‌تواند با دیگر واژه‌های کلیدی، بیشترین ارتباط مفهومی را برقرار سازد. (ن.ک: حسینی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۰۰) چنانچه کثرت ذکری آن در متن تفسیری، این مدعا را تأیید می‌کند.

با شناسایی واژه کانونی، رابطه مفهومی دیگر واژه‌های کلیدی با این واژه قابل سنجش است و امکان طراحی شبکه معنایی فراهم می‌گردد. در این شبکه، «حضرت حق» در مرکز و هسته شبکه قرار می‌گیرد و هفت واژه «اهل بیت علیهم السلام»، «فطرت»، «تفسیر باطنی»، «سحر»، «ایمان»، «قرآن» و «عبادت» در اطراف این واژه جای می‌گیرند.

در این شبکه معنایی، همه واژه‌های کلیدی، مخلوق و مصنوع واژه کانونی هستند و حضرت حق به عنوان واژه کانونی با هر یک از آنها، گونه‌ای از رابطه مفهومی را برقرار می‌کند. بدین ترتیب که میان حضرت حق با اهل بیت، رابطه مفهومی بدین گونه برقرار است که اهل بیت، نماینده‌ها و مأموران بشری حضرت حق در روی زمین هستند. پس هر جا در متن تفسیری، نامی از اهل بیت برده می‌شود، منظور نماینده‌های حضرت حق در روی زمین می‌باشد.

اما میان فطرت و حضرت حق، این رابطه مفهومی دیده می‌شود که حضرت حق، دستگاهی راهنما و تشخیص‌دهنده درونی در بشریت نهاده‌است تا به وسیله آن، راه حق را شناسایی کنند و به حضرت حق قرب پیدا کنند. با توجه به رابطه مفهومی مذکور، منظور از فطرت در متن تفسیری مذکور، دستگاه هادی بسوی حضرت حق می‌باشد.

تفسیر باطنی از دیگر واژه‌های کلیدی است که به عنوان روشی مهم جهت تفسیر کتاب حضرت حق مورد پذیرش و توصیه شده می‌باشد. از این رو، رابطه مفهومی تفسیر باطنی با حضرت حق بدین گونه برقرار می‌شود که تفسیر باطنی، معانی باطنی کتاب حضرت حق را تبیین می‌کند و مرادات و مقاصد باطنی و پوشیده حضرت حق در کتابش را آشکار می‌نماید. واژه کلیدی بعد، واژه قرآن است که به عنوان کتاب هدایت از سوی حضرت حق نزول یافته‌است. رابطه مفهومی این کتاب با حضرت حق بسیار روشن است و از متعلقات اصلی حضرت حق در کنار دیگر متعلقات چون نبی، ولی، فرشته و ... جهت هدایت انسان می‌باشد.

حضور واژه سَحَر در میان واژه‌های کلیدی از آن روست که سَحَر مهم‌ترین زمان عبادت است و ارزش آن در مسیر سلوک عبادی آن قدر مهم و تعیین‌کننده است که قابل حذف و چشم‌پوشی نمی‌باشد. پس ارتباط این واژه با واژه کانونی بدین گونه است که حضرت حق زمان سَحَر را در کتاب قرآن به عنوان زمان ویژه راز و نیاز با خود معرفی می‌کند. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً» (مزمّل: ۶): «زیرا عبادتی که در شب صورت می‌گیرد، محکمتر و پابرجاتر و گفتار در آن درست‌تر و استوارتر است».

دیگر واژه کلیدی، واژه ایمان است که به عنوان باور قلبی انسان به موجودات و مفاهیم خاص می‌باشد. در میان متعلقات ایمان، حضرت حق بالاترین جایگاه را حائز است و ایمان به حضرت حق، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین متعلق از متعلقات ایمان می‌باشد.

اما رابطه واژه عبادت با حضرت حق بدین گونه ترسیم می‌شود که عبادت راه و مسیر قرب الهی است و به گفته حضرت حق، خلقت موجودات بر پایه همین عبادت حضرت حق استوار شده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶): «و جن و انس را نیافریدم، مگر برای آنکه مرا پرستش کنند».

با تبیین شبکه معنایی واژه‌های کلیدی، می‌توان تشخیص داد که مفسر با استفاده زیاد و مکرر از این واژه‌ها، تمایلات و گرایش‌های بیشتری به سمت گرایش عرفانی داشته‌اند که با عناوین دیگری چون هدایتی، روحانی (محمدی یدک، ۱۳۹۱: ۳۱) اخلاقی، معنوی، (رضایی، ۱۳۸۲: ۴۲۱) باطنی و شهودی نیز یاد می‌شود. (نصیری، ۱۳۸۶: ۲۲۶)

حضور «تفسیر باطنی» در میان واژه‌های کلیدی، تمایلات مفسر به سمت معنای باطنی را نشان می‌دهد که در گرایش عرفانی، حضوری بسیار پررنگ دارد. البته این به معنای بی‌توجهی مفسر به معنای ظاهری قرآن نیست. بلکه فراتر از آن، باید گفت که مفسر، معنای باطنی را در کنار معنای ظاهری و معمولاً پس از معنای ظاهری ارائه می‌کند.

اما آنچه در گرایش عرفانی این مفسر پررنگ‌تر و مشهودتر است، معنویت^(۴) و عبادت است که بر مرکزیت توجه جدی به حضرت حق استوار است. (ن.ک: مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۸۷)

بنابراین گرایش عرفانی آیه‌الله علوی نه یک گرایش صوفیانه، رمزی و اشاری است که گاه از گرایش عرفانی بدان یاد می‌شود (ن.ک: نصیری، ۱۳۸۶: ۲۲۶)، بلکه نوعی گرایش سالم عرفانی است که مبتنی بر معنویت و عبادت است و در تفسیر آیات به دنبال مفاهیمی است که این قوه معنویت تقویت شود و مسیر عبادت روشن گردد. از این رو مفسر به قرآن توجه ویژه می‌کند تا مسیر معنویت و عبادت اصیل و راستین را پیدا کند و اهل بیت را در تفسیر خود پررنگ می‌بیند تا هم از دانش و معرفت ایشان استفاده نماید و هم با تقویت رابطه خود با آن‌ها، قوه معنوی خود را رشد دهد. از سوی دیگر، مفاهیمی چون سَحَر، ایمان و

فطرت در این پارادایم تفسیری، معرّف و نشان‌دهنده همین گرایش معنوی و عبادی است که عبادت و معنویت سالم و اصیل مبتنی بر ایمان و مراقبت از فطرت الهی است و مراتب بالای آن در زمان ویژه سحر قابل دستیابی می‌باشد.

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به صورت نظری و عملی نشان داده‌شد که هر متنی حاوی واژه‌های کلیدی می‌باشد و این واژه‌ها از کاربری‌های فراوانی چون فهم سریع و دقیق متن و شناسایی گرایش تفسیری ماتن و مفسر برخوردار می‌باشند. در هر متن معنادار و منسجم، واژه‌های کلیدی قابلیت تبدیل به شبکه معنایی را دارا هستند و هر شبکه معنایی، متشکل از واژه کانونی و واژه‌های کلیدی می‌باشد.

در متن تفسیری آیه‌الله علوی واژه‌های «حضرت حق»، «اهل بیت»، «فطرت»، «تفسیر باطنی»، «سحر»، «ایمان»، «قرآن» و «عبادت» نقش واژه‌های کلیدی را ایفا می‌کنند. در میان این واژه‌ها، واژه «حضرت حق» واژه کانونی می‌باشد.

بررسی واژه‌های کلیدی در متن تفسیری آیه‌الله علوی نشان می‌دهد که این واژه‌ها به مختصات گرایش تفسیری عرفانی نزدیک است. و این گرایش عرفانی مفسر بر پایه معنویت و عبادت استوار می‌باشد.

پی‌نوشت:

۱) آیت‌الله سید محمد حسن علوی سبزواری در تاریخ ۲۸ ماه مبارک رمضان ۱۳۴۹ ق در سبزواری در بیت علم و معنویت متولد شد. پدر و مادر ایشان از خاندان علمی و سادات بودند. ایشان با شروع تحصیل در علوم دینی از همان نوجوانی، دروس حوزه را تا سطح مکاسب، رسائل و کفایه در استان خود تکمیل کردند و با عزیمت به قم مجدداً برخی دروس را از محضر اساتید بزرگ چون امام خمینی و علامه طباطبایی رحمه الله علیهما فرا گرفتند و در سال ۱۳۸۷ ق (مصادف با سال ۱۳۴۷ ش) به سبزواری مراجعت کردند.

آیت‌الله علوی سبزواری، عالمی ربانی، مودب، خوش اخلاق، متواضع، مهربان و صمیمی بودند. او عالمی مردمی بود و اخلاق اجتماعی داشت؛ دغدغه دینی داشت و به امور مذهبی و دینی مردم سبزواری رسیدگی می‌کرد. وی در مبارزات مردم سبزواری علیه شاه، همراه با مراجع معظم تقلید شیعه، از پیشگامان و فعالان انقلاب سبزواری بود. منزلش پایگاه انقلابیون بود. وی قبل و بعد از انقلاب، در غم و شادی مردم سبزواری شریک بود.

درب منزل ایشان، همیشه به روی همگان باز بود و منزلش، ماوا و پناهگاه مردم بود. مردم سبزواری، با درگذشت ایشان، محبوبترین عالم دینی خود را طی سالیان بسیار از دست دادند. آیت‌الله علوی سبزواری روز چهارشنبه اول بهمن ۱۳۹۹ هجری شمسی درگذشتند و به

رحمت ایزدی پیوستند. (ن.ک: برگه‌های دست‌نوشته آیه‌الله علوی؛ <http://www.hsu.ac.ir/alavi>؛ <http://jahedkhabar.ir/?p=71363>)

جامعیت علمی، تبحر در علوم اسلامی مختلف و تبلور اخلاص در فعالیت‌های علمی و غیر علمی، ضرورت را برای پژوهش در آثار علمی ایشان ایجاد می‌کند. از جمله آثار علمی بجامانده از آیه‌الله علوی، دست‌نوشته‌های تفسیری است که آیات و سوره‌هایی از قرآن را تفسیر کرده‌اند. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه این آثار تفسیری، بارقه‌ای از دانش تفسیری ایشان را به جامعه علمی هدیه نماید.

۲) واژه کلیدی در این پژوهش‌ها به واژه به کاررفته در صدر متن و تکرارشده در میانه متن تعریف شده است. (غراب و نجفی، ۱۳۹۹: ۳۹۲)

۳) به‌طور کلی واژه‌ها از جنبه ارتباط آن‌ها با ساختار یا معنای جمله به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از آن‌ها نقش محتوایی دارند و معنی آن‌ها مهمترین کارکرد آن‌ها می‌باشد و برخی نقش نحوی و دستوری دارند و به ایجاد ساختار جمله کمک می‌کنند. (ن.ک: غراب، ۱۳۹۹: ۳۹۶)

۴) معنویت در جدیدترین پژوهش‌ها به فرآیند جستجوی نسبتاً پایدار امر قدسی در زندگی تعریف شده است که مهمترین مصداق امر قدسی از نگاه کتاب قرآن، حضرت حق می‌باشد. (ن.ک: مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۸۷)

کتابنامه

- قرآن کریم.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱): مکاتب تفسیری، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- برگه‌های دست‌نوشته آیه‌الله علوی؛ <http://www.hsu.ac.ir/alavi>؛ <http://jahedkhabar.ir/?p=71363>
- پارسایی، تهمنه (۱۳۹۱): مبانی نظریه شمول‌پذیری آیات قرآن، مشکوه، ش ۱۱۵، ۲۴-۴.
- پورعلی و مردانی (گلستانی)، یاسین و مهدی (۱۳۹۷): علو مضمون در حدیث؛ کارکرد و شاخصه‌ها، حدیث حوزه، ش ۱۶، ۸۰-۵۹.
- حسینی‌نیا و سالکی، سیدمحمدرضا و سارا (۱۳۹۸): تحلیلی بر معناشناسی واژگان قرآنی در حوزه تربیت؛ ترسیم شبکه معنایی آن در قرآن کریم، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۲۱، ۱۰۲-۸۵.
- حویزی، عبدعلی (۱۴۱۲): تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: إسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷): لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی دانشگاه تهران.
- دهقانی، فرزاد و همکاران (۱۴۰۰): معناشناسی صحف در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ش ۲۰.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲): درسنامه روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زاهدی فر، سیفعلی (۱۳۹۶): بررسی تناسب معنایی آیات ۱۹-۱۶ قیامت، مطالعات تفسیری، ش ۲۹، ۱۶۱-۱۷۰.
- سیدعلوی، سیدابراهیم، نهج البلاغه و تعریف حق و باطل، همایش کنگره نهج البلاغه، دوره ۵، ۱۶۱-۱۴۹.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲): مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شانظری و اجیه، جعفر و تقی (۱۳۸۹)، روش تأویلی - تمثیلی فهم قرآن در عرفان و مذهب باطنیه، الهیات تطبیقی، ش ۲، ۱۱۶-۱۰۳.
- شریفی و مهدوی، عطیه و محمدامین (۱۳۹۷)، رویکردی با ناظر در استخراج واژگان کلیدی اسناد فارسی با استفاده از زنجیره‌های لغوی، پردازش علائم و داده‌ها، ش ۳۸، صص ۱۰۹-۹۵.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۱): روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه.
- علوی نژاد، سیدحیدر (۱۳۷۵): ظاهر و باطن قرآن در گستره روایات، ش ۵ و ۶، ۱۷۱-۱۳۸.
- غراب و نجفی، جلال‌الدین و محمدجواد (۱۳۹۹): تبیین مفاهیم کلیدی سوره بر پایه تحلیل مبتنی بر پیکره؛ بررسی موردی سوره شوری، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۳، ش ۲، صص ۴۱۸-۳۹۱.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹): العین، تحقیق مهدی مخزومی-ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجرة.
- کاظمی، محمد (۱۳۸۹): نقش متون دینی در تبیین معانی واژگان روایات، علوم حدیث، ش ۵۸، ۷۸-۶۲.
- محمدی یدک، علی (۱۳۹۱): طبقه‌بندی گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری شیعه، هفت آسمان، ۵۳، ۵۲-۲۹.
- مسعودی، محمدمسعود (۱۳۹۹): نظریه معنویت در قرآن بر پایه روش نظریه زمینه‌ای، کتاب قیم، ۲۲، ۲۱۲-۱۸۵.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۱): ترجمه قرآن، قم: الهادی.
- موسوی زاده، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹): تأملی دوباره در راز وجود آیات متشابه و مجمل در قرآن کریم، معرفت، ش ۱۵۲، ۹۰-۷۳.
- مؤدب، سیدرضا (۱۳۸۶): مبانی تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.
- نصیری، علی (۱۳۸۶): مکتب تفسیری صدر المتألهین، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Babaei, Ali-Akbar (1381): Tafsir schools, Tehran: Hozah and University Research College. [In Persian].
- Manuscript pages of Ayahullah Alavi; <http://www.hsu.ac.ir/alavi>; <http://jahedkhabar.ir/?p=71363>. [In Persian].
- Parsaei, Tahmina (1391): Basics of the Theory of Inclusiveness of Quranic Verses, Meshkat, Vol. 115, 4-24. [In Persian].
- Pournali and Mardani (Goleštani), Yasin and Mahdi (1397): Excellence of content in Hadith; Function and indicators, Hadith Hoza, vol. 16, 59-80. [In Persian].
- Hosseini-nia and Saleki, Seyyed Mohammadreza and Sara (1398): An analysis of the semantics of Quranic words in the field of education; Delineation of its semantic network in the Holy Quran, Islam and Educational Research, No. 21, 85-102. [In Persian].
- Howeizi, Abd Ali (1412): Tafsir Noor al-Saghalein, the research of Seyyed Hashem Rasouli Mahalati, Qom: Ismailian. . [In Arabic].
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377): Dehkhoda Dictionary, Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute and International Persian Language Education Center of Tehran University. [In Persian].
- Dehghani, Farzad et al. (1400): Semantics of pages in the Qur'an based on cohabitation relationships, Linguistic Researches of the Qur'an, vol. 20. [In Persian].
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (1382): Textbook of Qur'an Interpretation Methods and Tendencies, Qom: World Center of Islamic Sciences. [In Persian].
- Zahedi Far, Seif Ali (1396): Examining the semantic compatibility of Qayamat verses 16-19, Tafsir Studies, vol. 29, 170-161. [In Persian].
- Seyyed Alavi, Seyyed Ibrahim, Nahj al-Balagha and the definition of right and wrong, Nahj al-Balagheh congress conference, 5th period, 161-149. [In Persian].
- Shaker, Mohammad Kazem (1382): Basics and methods of interpretation, Qom: World Center of Islamic Sciences. [In Persian].
- Shanzari and Ajieh, Jafar and Taqi (1389), the method of interpretation - allegorical understanding of the Qur'an in mysticism and esoteric religion, Comparative Theology, vol. 2, 103-116. [In Persian].
- Sharifi and Mahdavi, Atiah and Mohammad Amin (1397), an observer-based approach in extracting key words of Persian documents using lexical chains, sign and data processing, Vol. 38, 95-109. [In Persian].
- Alavi Mehr, Hossein (1381): Exegetical Methods and Tendencies, Qom: Oswah. [In Persian].
- Alvinejad, Seyyed Heidar (1375): The exterior and interior of the Qur'an in the scope of hadiths, Vol. 5 and 6, 138-171. [In Persian].
- Ghorab and Najafi, Jalaluddin and Mohammad Javad (1399): Explanation of the key concepts of the Surah based on corpus-based analysis; A case study of Surah Shura, Qur'an and Hadith Research, Year 53, Volume 2, 391-418. [In Persian].



سال هشتم
شماره اول
پیاپی: ۱۴
بهار و تابستان
۱۴۰۳

- Farahidi, Khalil (1409): Al-Ain, research by Mahdi Makhzoumi-Ibrahim Samaraee, Qom: Dar al-Hijra. [In Persian].
- Kazemi, Mohammad (1389): The role of religious texts in explaining the meanings of hadith words, Ulum of Hadith, Vol. 58, 78-62. [In Persian].
- Mohammadi Yadak, Ali (1391): Classification of Shia interpretive tendencies and styles, Haft Asman, 53, 52-29. [In Persian].
- Masoudi, Mohammad Masoud (1399): Theory of spirituality in the Qur'an based on the contextual theory method, Ketab Qayyem, 22, 212-185. [In Persian].
- Meshkini Ardabili, Ali (1381): Translation of the Qur'an, Qom: Al-Hadi.
- Mousavizadeh, Seyyed Mohammad Hossein (1389): A second reflection on the secret of the existence of similar and complete verses in the Holy Qur'an, Maraefat, Vol. 152, 73-90. [In Persian].
- Moadab, Seyyed Reza (1386): Basics of Qur'an Interpretation, Qom: Qom University. [In Persian].
- Nasiri, Ali (1386): Sadr al-Mutalehin School of Interpretation, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian].